

بیمه از نظر حقوق مدنی

« ۹ »

۲ - اسم بیمه‌گر و بیمه‌گذار

بطور کلی در هر معامله‌ای باید اسم طرفین قید و در قرارداد معین شده باشد و در بیمه نیز قید این مطلب ضروری است. اسم بیمه‌گر معمولاً در بیمه نامه‌ها چاپ می‌شود و محل اسم بیمه‌گذار سفید میماند که در موقع امضاء قرارداد نوشته شود. رویه قضائی فرانسه اینست که اگر اسم بیمه‌گر قید نشده باشد امضای او برای تشخیص هویتش کافی خواهد بود. مطابق قانون تجارت فرانسه (ماده ۳۲۲ قسمت ۶) تعیین محل اقامت طرفین نیز لازم است و قید این برای اینست که شبهه‌ای در هویت متهم باقی نماند.

مقصود از بیمه‌گذار مالک حقیقی موضوع بیمه نیست بلکه کسی است که مال را به بیمه میدهد مانند وکیل و مباشر و غیره در بیمه حمل و نقل ممکن است قرارداد بدون ذکر اسم بیمه‌گذار (بنام حامل) تنظیم شود چنانکه ماده ۶ قانون بیمه میگوید. (هرکس بیمه میدهد بیمه متعلق بخود او است مگر آنکه در بیمه نامه تصریح شده باشد که مربوط به دیگری است لیکن در بیمه حمل و نقل ممکن است بیمه نامه بدون ذکر اسم (بنام حامل) تنظیم شود » .

مقصود از عبارت « بنام حامل » آنستکه هرکس بیمه نامه را در دست داشته باشد بیمه متعلق با او است و اتخاذ این رویه برای سهولت انتقال موضوع بیمه است که غالباً با تسلیم بیمه نامه صورت میگیرد و اگر بیمه نامه باسم شخص معینی باشد انتقال آن با پشت نویسی انجام میشود. در بیشتر اوقات در بیمه نامه بیمه حمل و نقل نمی‌توان مالک را تعیین نمود چه بسا ممکن است که موضوع بیمه در ظرف مدت بیمه باشخص متعددی انتقال یابد و مخصوصاً این امر در مورد بیمه کالا خیلی پیش میآید که مابقی از تاریخ حرکت تا زمان وصول بمقصد متناوباً به اشخاص منتقل میگردد و حتی غالباً در زمان انعقاد قرارداد هم مالک مال مزبور را نمیتوان تعیین نمود زیرا دلال یا حق‌العمل کاری که مشغول امضاء قرارداد است نمیداند که تا چند لحظه قبل مالک موضوع بیمه آنرا به دیگری انتقال داده یانه.

۳ - موضوع بیمه

تعیین موضوع بیمه در بیمه نامه نیز ضروری است و برای جلوگیری از اختلافات باید حتی المقدور بطور وضوح با ذکر مشخصات معین گردد. تعیین اموال موضوع گاهی آسان است مانند بیمه خانه یا بیمه کشتی که در بیمه خانه نمره آن و در بیمه کشتی اسم آن و اسم ناخدا بهترین مشخصات میباشد ولی در بیمه کالا نمیشود آنطور که باید آنرا

بیمه از نظر حقوق مدنی

تعریف و مشخص کرد و در این قبیل موارد بذکر نوع و صفت و نشانی (علامت مارک) اکتفاء میشود معذک در بیمه کالا همیشه ممکن نیست این صفات را هم ذکر نمود چه غالباً بیمه گذار مالی را که در راه دارد و هنوز خصوصیات آنرا نمیداند بیمه میدهند و اگر اسم کشتی را هم نداند بذکر فرستنده یا گیرنده باید اکتفاء کرد. مثلاً موقعیکه تاجری بیمه عمومی منعقد میکند در زمان انعقاد اساساً نمیداند چه اموالی از حیث جنسی و نوع و صفت در معرض خطرات خواهد گشت.

علاوه بر تعیین مشخصات موضوع بیمه تعیین دو نکته دیگر کمال اهمیت را دارد یکی تعیین وضعیت و کیفیات موضوع بیمه که در حدوث خطر ممکن است اثر داشته باشد و بیمه گذار باید اطلاعاتی راجع باین امر به بیمه گر بدهد و بطوریکه بعداً ذکر خواهد شد این قسمت از وظائف اساسی بیمه گذار میباشد مثلاً در غالب اوقات برای بیمه حمل و نقل تعیین کشتی حامل و ناخدا کمال اهمیت را در ایجاد خطر دارد ولی نظر باین که مشخص نمودن ناخدا ممکن است مشکلاتی ایجاد نماید بیشتر اوقات از ذکر اسم اوصرف نظر میشود و یا در بیمه نامه پس از ذکر اسم او مینویسند. «..... یا هر شخص دیگر» دیگر تعیین قیمت بیمه است که بیمه گذار را تا حدی از اثبات میزان تعهد بیمه گر فارغ مینماید و چون تعیین این قسمت همیشه مقدور نیست لذا بیمه نامه ها از این حیث دو صورت پیدا میکنند یکی بیمه نامه های مقوم و دیگر بیمه نامه های آزاد.

هرگاه مبلغ بیمه شده در بیمه نامه معین نگردیده باشد ممکن است آنرا از روی میزان حقوق بیمه و تعرفه بیمه بدست آورد مثلاً هر یک دینار حق بیمه را در مقابل ده ریال قیمت مال بیمه شده محسوب نمود چنانکه بندج قسمت یکم ماده ۱ قانون حق الثبت شرکتهای مصوبه ۶ آذر ۱۳۱۰ مقرر میدارد.

«هرگاه مبلغ بیمه شده در اوراق و اسناد فوق معین نشده باشد باید هر یک دینار حق بیمه را در مقابل ده ریال قیمت مال بیمه شده محسوب داشت» گرچه تخمین مزبور برای تعیین میزان مالیات است ولی مقنن فرض میکند که بیمه گر در مقابل هر ده ریال مال یک دینار حق بیمه مأخوذ میدارد و لذا ممکن است از اینجا مدرک و قاعده ای برای تعیین مبلغ بیمه در موردیکه در بیمه نامه قید نشده باشد بدست آورد.

تعیین قیمت موضوع بیمه نسبت به بیمه گذار دارای اثر است چه او نمیتواند در صورت حدوث خطراتعا نماید که موضوع بیمه بیش از آن مبلغ ارزش داشته است و حال اینکه تقویم مزبور نسبت به بیمه گراثری ندارد و او میتواند باین اعتراض نماید و هرگاه ثابت شود که بیمه گذار یا سوء نیت و قصد تقلب قیمت مزبور را بیشتر از ارزش عادله تعیین کرده است طبق ماده ۱۱ قانون بیمه که میگوید. «چنانچه بیمه گذار یا نماینده او با قصد تقلب مالی را اضافه بر قیمت عادله در موقع عقد قرارداد به بیمه داده باشد عقد بیمه باطل و حق بیمه در یافتی قابل استرداد نیست» تقاضای ابطال بیمه را مینماید.

بیمه از نظر حقوق مدنی

ولی اگر بیمه گذار قصد تقلب و سوء نیت نداشته است مطابق عکس ماده ۱۳۰۹ رفتار خواهد شد (۱)

هیچ شرطی در بیمه نامه نمیتواند حق این اعتراض را از بیمه گر سلب نماید زیرا این امر در حقیقت شرط خلاف مقتضای قرارداد بیمه است چه هرگاه حق اعتراض مزبور از بیمه گر سلب گردد ممکن است بیمه برای بیمه گذار جلب نفع نماید و در این صورت شرط مزبور اگر فرض شود که مبطل بیمه نباشد بطور قطع نفس شرط باطل و کان لم یکن خواهد بود .

۴ - حادثه یا خطری که عقد بیمه بمناسبت آن بعمل آمده است تعیین خطری که خسارت ناشی از آنرا بیمه گر بهمه میگیرد نیز از ضرورات است و حتی بهتر آنستکه علت خطر مزبور نیز معین شود چه بطوریکه در مبحث خطر خواهیم دید این موضوع کمال اهمیت را دارد .

۵ - ابتدا و انتهای بیمه

در بیمه نامه باید مدت بیمه معین شود و مدت مزبور ممکن است بطور صریح و مستقیم یا بطور غیر مستقیم تعیین گردد هرگاه مدت بیمه صریحاً در بیمه نامه معین و قید شده باشد اشکالی نیست ولی گاهی بطور غیر مستقیم است مثلاً در بیمه حمل و نقل مالی قرارداد میکنند که موضوع بیمه از زمان حرکت از فلان شهر تا رسیدن به فلان شهر بیمه میشود . در این صورت بدیهی است که بیمه از تاریخ حرکت شروع شده و بوصول مقصد خاتمه مییابد . هرگاه در بیمه نامه ابتدا مدت بیمه معین نشده باشد و نتوان آنرا از مضمون قرارداد تشخیص کرد بنظر من باید تاریخ قرارداد را ابتداء مدت بیمه دانست مگر اینکه در حین قرارداد یا تا مدتی پس از آن در معرض خطر نبوده و یا بموجب بیمه دیگری در پوشش بوده است مثلاً در بیمه حمل و نقل خطر از زمان حرکت شروع میشود و ابتدای بیمه غیر از تاریخ انعقاد است و همچنین در سوردیکه مالی بیمه شده و قبل از انقضاء مدت بیمه اول مجدداً آنرا برای مدت پس از آن بیمه دهند که در این فرض بیمه از تاریخ ختم بیمه اول شروع میشود و بهر حال سزاوار بود که این نکته را قانون تصریح می نمود و یا یک طریقۀ بهتری اتخاذ میکرد .

اما هرگاه انتهای مدت بیمه معین نشده باشد در پاره‌ای موارد بنسبت آوردن

۱ - ماده ۹ . « در صورتیکه مالی بکمتر از قیمت بیمه شده باشد نسبت بقیه میتوان آنرا بیمه نمود در این صورت هر یک از بیمه گران بنسبت مبلغی که بیمه کرده است یا قیمت واقعی مال واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود » در مورد فوق که مالی به زیادتر از قیمت بیمه شده است باید گفت که بیمه گر بنسبت واقعی مال مسئول خسارت است و مطابق ماده ۱۳ چون این عمل از روی سوء نیت و قصد نبوده اولاً قابل اصلاح و اگر تا زمان وقوع حادثه هنوز بیمه گذار از قیمت مال اطلاع حاصل نکرده و بیمه را اصلاح نکرده باشد باید مطابق شرح فوق رفتار نمود (رجوع شود بمقاله ای که بقلم آقای دکتر آقایان در مجموعه حقوقی شماره ۱۸ روز چهارشنبه ۲۰ مرداد ۱۳۱۶ درج گردیده است) .

بیمه از نظر حقوق مدنی

آن سهل است مثلاً در بیمه حمل و نقل مدت قرار داد بوصول موضوع بیمه بمقصد خاتمه مییابد و در بیمه عمر در مقابل مرگ مادام که بیمه شده حیات دارد بیمه بقوت خود باقی خواهد بود و در بیمه عمر در حال حیات تاریخ انجام تعهد بیمه گرانتهای مدت قرار داد را مشخص میکند ولی در بعضی اقسام بیمه مانند بیمه خانه در مقابل حریق چطور باید تصمیم گرفت ؟

آیا میتوان گفت در عقدی که قانوناً باید مدت آن تعیین گردد اگر این مطلب معین نشده باشد عقد مزبور باطل است ؟ چنانکه در باب اجاره ماده ۸۶ قانون مدنی میگوید . « در اجاره اشیاء مدت اجاره باید معین شود والا اجاره باطل است » در اینجا باید اینطور استدلال کرد که اولاً موجبات ابطال را نمیتوان نظر بشباهت موارد ازعقدی بعقد دیگر سرایت داد و نظر باصل صحت معاملات تا موردی را قانون صریحاً معین نکرده باشد نباید عقدی را باطل دانست و اگر پس از آنکه مدتی بیمه گذار حق بیمه را پرداخته است بخواهیم عقد را باطل بدانیم نتیجه خسارتی متوجه او خواهد گردید پس بهتر آنستکه طریقی را که ماده ۵۰۱ قانون مدنی در باب اجاره قبول کرده است بپذیریم یعنی اگر مدت قانون مدنی در باب اجاره قبول کرده است بپذیریم یعنی اگر مدت بیمه بطور صریح ذکر نشده و حق بیمه هم از قرار ماه یا سالی فلان مبلغ معین شده باشد بگوئیم قرار داد برای یکماه یا یکسال صحیح است منتها مادام که بیمه گذار حق بیمه را پرداخته و بیمه گرانرا دریافت داشته است بیمه را بقوت خود باقی دانیم چه این امر کاشف از رضایت طرفین برابقا وادامه بیمه میباشد . گرچه قسمت اخیر بند ج ماده ۱ قانون حق الثبت شرکتهای (۶ آذر ۱۳۱۰) مقرر میدارید . « . . . هرگاه مدت بیمه ذکر نشده باشد مدت آن یکسال محسوب خواهد شد » ولی این ماده فقط برای تعیین مالیاتی است که بر معاملات شرکت تعلق میگیرد بالاخره از همین ماده استفاده میشود که مقنن بیمه ای را که مدتش در قرارداد معین نشده باشد باطل نمیداند .

بهرحال موارد قابل دقت در این موضوع بسیار است که ذکر آنها از حوصله بحث فعلی خارج میباشد .